

# سیمای سوسیالیسم

## اول ماه مه، سناریوی تسلیم یا روز نمایش قدرت

April 26, 2013

مراسمی که این سال ها با نام اول ماه مه و در زیر پرچم این روز انجام می گیرد، اگر نه سراسر، اما در سطحی وسیع به تعزیه گردانی ها، شبیه خوانی ها و سینه زنی های رایج جماعت دینداران یا توده های متوهم به امامان دین می ماند. این حرف حتماً خیلی ها را عصبانی خواهد کرد، حتی کارگران زیادی را خواهد آزرده، اما بگذار چنین شود، واقعیت سواى این نیست و هیچ کارگر آگاهی کتمان واقعیت ها را به نفع طبقه خود و مصلحت جنبش ضد سرمایه داری طبقه خویش نمی داند. دست اندرکاران و متولیان و شرکت کنندگان سناریوی عزاداری ها همه از یک جنس نیستند. مثنی رمال و کاسبکار کوه توهم توده های ناآگاه را نردبان سودجویی، شهرت طلبی و ترفندبازی خود می سازند و جمعیت وسیعی از انسان های اسیر درد و رنج و تحقیر نظام اجتماعی مسلط زیر فشار ناآگاهی ها، خرافه اندیشی ها و فروماندگی ها، پشت سر کاروانسالاران ردیف می گردند. اولی ها می دانند که چه می کنند و دومی ها اگر می دانستند چه می کنند به طور قطع چنین نمی کردند. اول ماه مه های موجود همین وضع را یافته است. اتحادیه ها، احزاب، سندیکاپیان، سکت ها و خیل کاسبکاران همگی به هوای شکار سود راه می افتند، جلب توهم توده های کارگر و نشستن بر سفینه قدرتی که به یمن سندیکالیسم و حزب سالاری همه ظرفیت سرمایه ستیزی خود را از دست داده است معامله پرسودی است. هر دار و دسته ای با علم و کتل و حجره خود وارد میدان می گردد. رونق بازار برای این جماعت در حدی است که در سالهای اخیر حتی احزاب راست بورژوازی نیز می کوشند بیشتر از رقیبان طرفدار « روز کارگر» شوند. در سوئد چندین سال است که دموکرات مسیحی ها در قیاس با برخی احزاب چپ، کارگران بیشتری را روز اول ماه مه راهی خیابان ها می سازند. در هر حال این ها همگی طیف کاسبکارانند، گروه دوم یا اکثریت شرکت کنندگان را خود توده های کارگر تشکیل می دهند. اینان نیز در این روز بساط شکایت و نذر و نیاز و التماس پهن می کنند. دستمزدها پائین است، فشارها سنگین است، تبعیضات جنسی فراگیر است، کار کودکان سهمگین است، فقر رو به فزونی است و لیست بلندیهای از این دردها و رنجهای بر زبان می آید که چه شود؟؟؟! آری که چه شود؟؟؟! که سرمایه داران و دولت ها این کارها را نکنند!! که صاحبان سرمایه و احزاب حاکم بورژوازی به مصالح زندگی کارگران فکر کنند!! که کارگران حق دارند، حقوق دارند، انسانند، خالق سرمایه ها هستند و این گونه رفتار با آنان عاقلانه نیست، عادلانه نیست و اصلاً به صرف این نظام نیز نمی باشد!! مشاهده می کنیم که توده وسیع یا محدود شرکت کننده در مراسم این روز نیز کم و بیش همان کاری را می کنند که جمعیت سینه زن عزادار پشت سر هیأت های کاسبکار دینی انجام می دهند.

آنچه اینجا هیچ قابل رویت نیست یک صف آرایی واقعی ضد سرمایه داری در همان سطح نمادین و نمایشی ویژه این روز است. هیچ کس نمی گوید که چرا وضع چنین است، چرا سرمایه داری این همه نیرومند و بی عنان و یکه تاز و پرشتاب، هر سببعیتی را که اراده می نماید علیه 5 میلیارد نفوس توده های کارگر دنیا اعمال می کند. چرا این 5 میلیارد در چنین موقعیت مستأصل، زبون و زمینگیری قرار دارند؟ چرا چند صد سال مبارزه مستمر این توده کثیر چند میلیاردی نتوانسته است حتی بر ارابه توحش طبقه سرمایه دار لگام زند، هیچ کس نمی پرسد که بر سر آن مبارزات، آن افق ها و انتظارات، بر سر اهداف آن نسل و نسلهای کارگر که نستوه و استوار در زیر پرچم رهایی انسان جنگیدند چه آمد و چرا نسل حاضر طبقه کارگر به دنبال آن همه پیکارها، خیزشها، انقلاب ها و حماسه آفرینی ها این چنین فرومانده و سردرگم و ذلت پذیر چشم به انتظار معجزه این جناح و آن جناح بورژوازی دوخته است. سخن از اول ماه مه است و در هر گوشه ای تریبونی برپاست، اما هیچ کس علیه اساس هستی سرمایه فریاد نمی کشد و اگر می کشد فقط شعاربافی است، لیست دردها قرائت می گردد اما ریشه آن ها یا در بطن رابطه خرید و فروش نیروی کار کاویده نمی شود و یا اگر پای این کاویدن به میان می آید فقط لفاظی است. هیچ کس نمی گوید که تا سرمایه داری هست، این دردها خواهد بود

و اگر هم می گوید سوای اعلام باور مسلکی خویش هیچ کار دیگری نمی کند. هیچ کیفرخواستی علیه هیچ اتحادیه ای به خاطر ایفای نقش زشت و سرمایه سالارش در خاکسپاری جنبش ضد سرمایه داری توده های کارگر صادر نمی شود. کارنامه گمراه ها پردازی های احزاب و نقش آنها در آویختن جنبش بین المللی طبقه کارگر به دار کمونیسم بورژوائی، خلقی، سوسیال دموکراسی و به هر حال رفرمیسم چپ یا راست پیش پای کارگران باز نمی گردد. از چاره پردازی ها و راهبردهای رادیکال ضد سرمایه داری اصلاً سخنی به میان نمی آید. بحث سازمانیابی سراسری شورائی ضد کار مزدی توده های طبقه کارگر در مراسم این روز کفر است و دیوارهای بلند و قطور رفرمیسم هیچ منفذی برای سرایتش به ذهن هیچ کارگری باز نمی گذارد.

اول ماه مه موجود، چنین است. اتحادیه ها، احزاب و سکت ها خوب می دانند چه می خواهند و چه می کنند. تا جایی که به سوسیال دموکراسی و اتحادیه ها مربوط است وظائف روئین خود را انجام می دهند، این روز برای آن ها مثل همه روزهای دیگر فرصتی برای کفن و دفن جنبش کارگری در گورستان تسلیم و تمکین به ماندگاری سرمایه است. احزاب و گروههای طیف رفرمیسم چپ نیز مجالی برای کسب و کار و رونق بازار به چنگ می آرند، دادن یک اعلامیه و مشتکی لفاظی و شعاربافی خود نوعی ابراز حیات کاریکاتوری یک سکت است. تکلیف اینها روشن است، اما خطاب ما با توده های کارگر شرکت کننده در مراسم است. بنمایه کلام این است که جدی، واقعی، رادیکال، طبقاتی و سرمایه ستیز به این روز، به جنبش خویش و به کل سرنوشت خود نظر اندازیم. به آنچه می کنیم با سر بیدار فکر کنیم. معضل طبقه ما در هیچ شرائطی از جمله در شرائط موجود، فقط حدیث بدبختی ها نیست. با لیست کردن تهاجمات بورژوازی و قرائت این لیست در پشت تریبون نهادهای منحل در نظام بردگی مزدی گرهی از کوه مشکلات روز ما و دریچه ای به سوی رهائی ما از جهنم گند و خون سرمایه داری باز نمی گردد. هیچ طبقه استثمار شونده ای در هیچ دوره تاریخ با نجوای فلاکت و بردن شکایت شدت استثمار در بارگاه قدرت طبقه استثمارگر، با مطالبه اصلاحات، با اکتفاء به شعار و کوبیدن مشت بر فضا قادر به خروج از زندان وحشت و دهشت و گرسنگی و مرگ دست پخت مناسبات اجتماعی مسلط نگردیده است. تاریخ زندگی بشر تاریخ مبارزه طبقاتی است و سرنوشت این مبارزه را آرایش قوای واقعی طبقات تعیین می کند. مسأله حیاتی طبقه ما در سراسر جهان، در هر جامعه، هر مرکز کار و تولید، در وضعیت روز و آینده موقعیتی است که از لحاظ اعمال قدرت علیه سرمایه داران، دولت آن ها و کل نظام سرمایه داری داریم. همه حرف ها باید حول این محور چرخ خورد. هر میزان خروج ما از این وضعیت یا هر گام موفقیت ما در هموارسازی راه رهائی آتی در گرو صف آرائی نیرومند، مستقل، طبقاتی و ضد سرمایه داری توده های وسیع طبقه ماست. مرکز ثقل کلیه بدبختی های دامنگیر 5 میلیارد همزنجیران ما در دنیا، فقدان این صف آرائی و فروماندگی رقت بار از اعمال قدرت آگاه ضد سرمایه است. برای احراز این قدرت باید ریل فکر و مبارزه و مطالبات و سازمانیابی و راه تحقق خواسته ها و در یک کلام نوع نگاه خود به کل مسائل مبارزه طبقاتی را تغییر بنیادی داد. باید امید هر نوع بهبود زندگی از طریق توسل به قانون و قرار و مدنیت و نظم سرمایه داری را به طور کامل به بایگانی تاریخ سپرد. قانون سرمایه، طوق آهنینی است که برای ماندگارسازی اسارت ما در جهنم خرید و فروش نیروی کار و تشدید مستمر استثمار و ستمکشی و زبونی ما در این نظام بر دست و پای طبقه ما قفل می کنند. باید بساط سندیکاسازی و جنبش اتحادیه ای را در هم پیچید، سندیکاها و اتحادیه ها گمراه ای است که بر سر راه سازمانیابی قدرت آگاه ضد سرمایه داری ما معماری گردیده است. بر سینه حزب سازان و منادیان آویختن به سکت های بالای سر دست رد کوبیم. آنچه زیر این نام دیده ایم و می بینیم بروتی برای دورساختن توده میلیونی و میلیاردین طبقه ما از ایجاد ظرف واقعی اعمال قدرت آگاه ضد کار مزدی بوده است. ما یک طبقه جهانی متشکل از اکثریت غالب سکنه این کره خاکی هستیم. خالق کل سرمایه های این جهانیم. سرمایه را ما تولید می کنیم و قدرت سرمایه مخلوق کار و استثمار ماست. چرا ما خالقان واقعی سرمایه و قدرت سرمایه داری باید اینسان فرومانده، زبون و بی قدرت در حال استغاثه به دامان مخلوق کار خویش باشیم. چرا باید آنچه ما آفریده و می آفرینیم و هر روز بازآفرین می کنیم و عظیم تر می سازیم، در نقش قدرتی خداگونه فرمانروای قاهر درنده جهان مطاع مسلط بر هست و نیست زندگی ما باشد. چرا باید حاصل کار و استثمار ما قدرت فائقه بی عنان دست به کار ساقط کردن ما از هستی باشد. این ها همه سوالات اساسی و در واقع حیاتی ترین و اساسی ترین سوال زندگی انسان عصر است. هیچ حکم مقدری بر این وضعیت حاکم نیست. تاریخ را انسان ها و مبارزه طبقاتی انسان ها ساخته است. طبقه سرمایه دار و کل دولت های سرمایه داری قدرت خود را از سرمایه می گیرند، سرمایه در همان حال که محصول استثمار ماست نیروی محرکه بازگونه پردازی حقایق اجتماعی دنیای حاضر است. سرمایه ماشین قهر و سرکوب خود علیه ما را دولت نماینده ما جار می زند، طوق پولادین اسارت ما در جهنم بردگی مزدی را قانون و مدنیت و و نظم سیاسی ضامن منافع ما القاء می کند، اتحادیه های محل کفن و دفن جنبش ضد سرمایه داری ما را نهادهای اعمال قدرت ما می خواند، سرمایه همه واقیعت ها را تحریف می کند و حاصل این تحریف را ساز و کار تحمیل شروط ارزش افزائی خود بر ما می سازد.

سرمایه روز اول ماه مه ما را نیز از بیخ و بن تحریف کرده است و به روزی برای استغاثه و آه و ناله و ابراز زبونی ما در مقابل خود کرده است. برای رهائی از این وضعیت باید سر سرمایه را از روی تنه خود برداریم. باید با چشم بینا

و مغز هشیار به جامعه و جهان و کار و شرائط کار خود نظر اندازیم. در همین راستا باید روز اول ماه مه را به روز واقعی طبقه خویش مبدل سازیم. این روز یادمان خیزشی است که نسلی از طبقه ما بر موجودیت سرمایه داری شورید. تبدیل چنین روزی به آنچه این سال ها پیش روی خود می بینیم بدون هیچ کم و کاست همان است که طبقه سرمایه دار و دولت های سرمایه داری می خواهند.

همزنجیران! بیانید اول ماه مه را روز میعاد سراسری توده های طبقه خود برای خیزشی نوین و آگاهانه علیه اساس سرمایه داری سازیم. بیانید پرچم سازمانیابی شورانی سراسری ضد کار مزدی را بر بام تمامی مراکز کار و تولید و محل سکونت انسان ها به اهتزاز در آوریم. به جای سرگردانی در برهوت ها و گمراهه های تباهگر رفرمیستی دست به کار متشکل ساختن و متحد کردن شورانی قوای پیکار طبقاتی خود علیه سرمایه شویم. بیانید به جای آویختن به قانون و نظم سرمایه، به جای استهلاک و تباهی قدرت تاریخساز طبقاتی خود در شوره زار جنبش اتحادیه ای و سندیکا آفرینی، به جای آویختن به امامزاده های حزبی راه ایجاد شوراهای رزمنده ضد سرمایه داری توده های طبقه خود را پی گیریم. بیانید پرچم شوراهای سرمایه ستیز متشکل از توده های وسیع طبقه خود را در سراسر جهان به اهتزاز در آوریم. بیانید بیرقی را بفرایم که بیرق واقعی رهانی بشر از جهنم سرمایه داری و وجود هر گونه استثمار و ستم و دولت و طبقات و جامعه طبقاتی باشد. بیانید روز اول ماه مه سال 2013 را سرآغازی برای این جهتگیری و انجام این کارها سازیم.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

آوریل 2013

آوریل 2013

**Manba: [simayesocialism.com](http://simayesocialism.com)**

**[yashar.doulatabadi@gmail.com](mailto:yashar.doulatabadi@gmail.com):Taksir**